

## ۲۱ آذر، روز فجر و شکست، م. سبیلی



بر خلاف تبلیغات مغرضانه، حکومت خودمختار فرقه آذربایجان و حرکت مشروع مردمی آن آفریده مسکو و خواستار تجزیه ایران نبود.

روز چهارشنبه ۲۱ آذرماه سال ۱۳۲۴ شمسی مجلس ملی آذربایجان آقای سید جعفر پیشه وری، رهبر فرقه دموکرات آذربایجان، را مسئول تشکیل دولت محلی تعیین کرد و درست یکسال بعد سحرگاه روز سه شنبه ۱۹ آذر ماه ۱۳۲۵ سه ستون ارتش شاهنشاهی از تهران عازم غرب شد و در ۲۱ آذر ماه با داخل شدن ارتش به شهر تبریز دولت محلی آقای پیشه وری انحلال یافت.

در باره حکومت محلی فرقه دموکرات آذربایجان کتاب و مقاله های بسیاری نوشته شده است و طبیعتاً ما در این مقاله امکان بررسی و نقد تمام آنها را نداریم لذا برای روشن شدن روند حوادث به بازگوئی از برداشت و تحلیل خود از چند منبع متفاوت، بخصوص کتاب ایران بین دو انقلاب نوشته پروفیسور آبراهامیان استاد ایرانی در دانشگاه نیویورک خواهیم پرداخت.

پس از سال ۱۳۲۰ بموازات جنگ جهانی دوم و ورود ارتش سرخ به مناطق شمالی ایران شرایط سیاسی کشور بکل تغییر یافت. تعدادی از مارکسیست و کمونیستهای ایرانی معروف به دسته ۵۳ نفره و ۹ نفره که چند سال قبل دستگیر شده بودند در سوم شهریور ۱۳۲۰ آزاد شدند. چندی بعد ۲۷ نفر از آن گروه ۵۳ نفره در منزل آقای ایرج اسکندری گرد آمده حزب توده به رهبری اسکندری را بنیان میگذارند. بنابه مجله جوان (تهران ۱۳۵۷-۸-۲۶ ص ۱۹) آقای پیشه وری که یکی از دستگیر شدگان گروه ۹ نفره بود یکی از اعضای اولین هیئت رهبری ۱۸ نفری حزب توده بود در حالی که آبراهامیان در کتاب خود اعضای نخستین گروه کادر رهبری توده را ۱۵ نفر ذکر میکند و از پیشه وری جزو آن عده یاد نمیرد و همچنین سایر منابع نیز فعالیت سیاسی پیشه وری را در خارج از حزب تأیید میکند.

در هر حال آقای سید جعفر پیشه وری با افکار پان فارسیستی رهبران حزب توده و بخصوص آقای ارانی، بنیانگذار اصلی حزب و رهبر گروه ۵۳ نفره، که خود آذربایجانی بزرگ شده پایتخت بود آشنائی قبلی داشت. پیشه وری بشدت استدلال فکری رهبران حزب را در روزنامه آذیر که پس از خلاصی از حبس به نشر آن در تهران مشغول بود انتقاد میکرد. ایشان بر این باور بود که نه دولت و نه احزاب سیاسی بخصوص حزب توده علاقه چندانی به مشکلات اقلیتهای زبانی و منطقه ای ندارند. لذا به مشورت چند آشنا از تهران به تبریز میرود و در سال ۱۳۲۳ نمایندگی برای دوره ۱۴ مجلس شورای ملی کاندید میشود. ایشان با اینکه با بیشترین آرا انتخاب شدند سایر نمایندگان مجلس با رد اعتبارنامه اش وی را از نمایندگی مجلس محروم ساختند. البته در بعضی از منابع تاریخی به اشتباه ویا مغرضانه گفته میشود که حزب توده نمایندگی پیشه وری از تبریز را پیشنهاد داده بود در حالی که اکثر اسناد تاریخی نشانگر این است که ایشان با اعتقاد عمیق به افکار مارکسیستی و چپی، پی در پی حزب توده را انتقاد میکرد. بهر حال با وجود ۸ نماینده حزب توده در مجلس شورای ملی آقای پیشه وری موفق به نمایندگی منتخبین خود در مجلس نشد.

پیشه وری با این باورکه جنبش کمونیستی ایران، بخصوص حزب توده نمیتواند سخنگوی راستین منافع ملت آذربایجان باشند همواره در پی همفکران جدید در تلاش بود. روز دوشنبه دوازدهم ۱۳۲۴ با دو تن از اعضای سابق حزب کمونیست دکتر جاوید و آقای کاویان اعلام تشکیل سازمان جدیدی بنام فرقه دموکرات آذربایجان در تبریز میکند و در نخستین بیانیه خود اعلام میکنند که فرقه طرفدار باقی ماندن آذربایجان تحت حاکمیت ایران هست، اما خواستار:

- استفاده زبان آذربایجانی در کنار زبان فارسی در مدارس و ادارات دولتی در آذربایجان
- صرف درآمدهای مالیاتی محلی برای رشد و توسعه خود منطقه
- تشکیل انجمنهای ایالتی مقرر در قانون اساسی ایران

در ۱۴ شهریور با پیوستن شبستری به فرقه دموکرات نشریهٔ «انجمن آذربایجان» ارگان رسمی فرقه میشود و در ۱۶ شهریور تعداد کثیری از اعضای کمیته مرکزی محلی حزب توده و شورای متحده به فرقه دموکرات میپیوند. چند روز بعد در اواسط مهر ماه نخستین کنگره فرقه در تبریز برگزار میشود و شرکت کنندگان خواهان حق تعیین سرنوشت آذربایجان بوسیله مجالس ایالتی و ولایتی و همینطور ایجاد سازمان نظامی از داوطلبان مسلح جهت حفظ حقوق آذربایجانیها در صورت عدم پاسخ مطلوب از طرف دولت مرکزی به مطالباتشان میشوند. بدنبال آن فدائیان آذربایجان با دستیابی به سلاحهای سبک از ارتش سرخ، بدون خونریزی به تصرف شهرهای آذربایجان یکی پس از دیگری آغاز میکنند.

در مورد این حوادث کنسول انگلیس گزارش میدهد<sup>۳</sup> گرچه غیر قابل تصور است که این جنبش بدون حمایت روسها به نتیجه برسد.... نمیتوانم باور کنم که این نهضت کاملاً کار روسها باشد<sup>۴</sup>

“Report of visit to Mianeh” iz British Consul in Tabr (P&S/L/india office ۱۲-۳۴۱۷)

کنگره ملی آذربایجان ۲۶ آبان افتتاح گردید و پس از آن بیانیه خود مختاری (حکومت محلی) اعلام شد. بار دیگر مجلس ملی آذربایجان در ۲۱ آذر تشکیل شد و با اصرار در جدا نشدن آذربایجان از ایران یک دولت محلی به رهبری آقای پیشه وری و بدون وزارت خارجه انتخاب شد. قابل توجه این بود که هیچکدام از وزرا (به غیر از بی ریا، عضو سابق حزب توده) رابطه ای با حزب توده که مستقیم از طرف استالین حمایت میشد نداشتند. همانطوری که کنسول انگلیس نیز بیان میکنند بر خلاف افکار رایج در میان اشخاص ضد فرقه بنظر میرسد که مسکو چاره ای جز حمایت محدود از نهضت فرقه نداشت و برای کنترل کردن آن حتی تعداد زیادی از توده ایها را به پیوستن به فرقه تشویق میکند.

در عرض حکومت یکساله، فرقه موفق به اصلاحات گسترده ای در آذربایجان شد.

- نخستین بار در تاریخ ایران زنان از حق رای برخوردار شدند

- نخستین اصلاحات ارضی توسط فرقه اجرا شد

- تنبیه بدنی ممنوع شد

- قانون جامع کار به تصویب رسید

- شوراهای نظارت بر کار نهادهای دولتی تاسیس شد

- با گشودن فروشگاههای دولتی قیمتهای مواد غذایی ثابت ماند

- کلاسهای سوادآموزی، مدارس و دانشگاه بزبان آذربایجانی تاسیس شد

- درمانگاههای رایگان در اختیار مردم قرار گرفت

- خیابانها آسفالت کنشی شد و همچنین یک ایستگاه رادیویی تاسیس شد

اصلاحات فرقه چنان گسترده بود که حتی مخالفانشان قبول کردند که خدمات یک ساله فرقه بیش از کارهای دوران بیست ساله رضاشاه بود.

R. Cottam, Nationalism in Iran (Pittsburgh, ۱۹۶۴, p. ۱۲۶)

با آن همه اصلاحات، همچنان فرقه در صحنه سیاست ضعیف باقی ماند و با حکومت مرکزی، چپ گرایان تهران و دولت شوروی همواره در بحث و جدال بسر میبرد. استالین حکومت خودمختار فرقه آذربایجان را بعنوان مهره ای در سیاست جهانی مینگریست و پی در پی نگران رشد خارج از کنترل نهضت ناسیونالیستی و تمایل آنها به همکاری با ترکیه بودند لذا ارتش سرخ با تامین تجهیزات نظامی سبک برای فدائیان آذربایجانی شدیداً مواظب بود که فرقه به سلاح سنگین دسترسی پیدا نکند. از طرف دیگر مسکو از طریق باقروف قول حمایت ارتش سرخ از فرقه در صورت حمله ارتش حکومت مرکزی داده بود. چنانچه اواخر شهریور ماه ۱۳۲۵ ارتش مرکزی از تهران عازم آذربایجان بود اما نیروهای مسلح شوروی اجازه عبور آنها را از قزوین به طرف تبریز ندادند و بناچار ستونهای ارتشی به تهران بازگشتند.

چپ گرایان پایتخت با دو دلی به حکومت خود مختار پیشه وری مینگریستند. از طرفی حزب توده اصلاحات فرقه را آشکارا در ارگانهای رسمی خود میستود و از سوی دیگر خواستار جنبش کارگری در کل ایران بودند و از فرقه میخواستند به جبهه تازه تاسیس شده احزاب مترقی بپیوندند.

امریکاییان نگران توسعه نفوذ کمونیستها در ایران بودند و بخاطر آن ارتش شاه را به خودرو، تانک، سلاحهای سنگین و مشاوران نظامی مجهز کردند. با توجه به حضور ارتش سرخ در آذربایجان و حمایت آنها از حکومت خودمختار فرقه، شاه امکان درگیری مسلحانه مستقیم نداشت. در نتیجه اقدام به راه اندازی شورشهای محلی در آذربایجان کرد. در زنجان به طایفه ذوالفقاری، در اطراف میاندوآب به قبایل افشار و در حومه اردبیل - مشگین به

شاهسونها سلاح و پول هنگفتی جهت تضعیف حکومت فرقه ارسال شد. بخاطر این بخش عظیمی از فدائیان داوطلب مسلح فرقه مدام درگیر شورشهای قبیله ای بودند.

در کنار درگیری با آشوبهای قبیله ای و اصلاحات ارضی، بدی آب و هوا به ویژه طغیانها و بارشهای دیر هنگام باعث برداشت ضعیف محصول غلات در تابستان ۱۳۲۵ گردید که موجب نگرانی مردم در کمبود مواد غذایی شد. حکومت خودمختار فرقه غافل از سیاستهای پشت صحنه ابرقدرتها و سازش تهران با مسکو در گیر حل این مشکلات بود تا اینکه ۱۹ آذر ماه ارتش شاه بدون ممانعت روسها عازم تبریز شد. با پخش حمله ارتش شاه مقامات شوروی به آقای پیشه وری توصیه میکنند که در مقابل ارتش مقاومت نشان ندهند. واکنش رهبران فرقه به دو نوع بود. گروهی به رهبری جاوید و شبستری معتقد بودند که ایستادگی در مقابل ارتش شاه مجهز به سلاح سنگین و تانک تنها موجب کشته شدن فدائیان مجهز به سلاح سبک خواهد بود. درحالی که گروه دیگر (اکثریت) به رهبری آقایان پیشه وری و بی ربا اعتقاد به مقاومت و ادامه مبارزه بصورت چریکی در آینده داشتند. پس از یک بحث طولانی و با مداخله کنسول شوروی پیشنهاد جاوید و شبستری غالب میاید و فوراً فرمان آتش بس داده شد. بدین ترتیب ارتش بدون ممانعت به طرف تبریز پیشروی کرد و ۲۱ آذر ماه وارد شهر شد. در چند روز بعدی نزدیک به ۵۰۰ نفر از فرقه به انواع گوناگون جان خود را باختند. جاوید و شبستری در تهران مورد عفو شاه قرار گرفتند ولی پیشه وری و بی ربا همراه با ۱۲۰۰ نفر به شوروی گریختند. شاعر بی ربا و عضو سابق حزب توده بخاطر تمایل برگشت به ایران به ۱۰ سال حبس محکوم شد و پیشه وری دو سال بعد در یک تصادف اتومبیل جان خود را باخت. طبق بعضی منابع از جمله کتاب "من متهم میکنم" نوشته کشاورز عضو کمیته مرکزی حزب توده و نامه بی ربا به مقامات عالی رتبه شوروی (و ۹-۱۹ آرشیو، ک.گ.ب) مرگ پیشه وری نقشه از قبل طرح ریزی شده بود.

دو روز قبل از حادثه شوهر پیشه وری در موقع سانحه، کارنیک ملکیان، برای به راه انداختن نقشه با یک تلگراف فوری از یروان آورده میشود. شوهر با مهارت کامل به سمت راست اتومبیل که پیشه وری نشسته بود صدمه وارد میآورد..

در پایان باید گفت که بر خلاف تبلیغات مغرضانه، حکومت خودمختار فرقه آذربایجان و حرکت مشروع مردمی آن آفریده مسکو و خواستار تجزیه ایران نبود. برعکس، استالین بخاطر نگرانی از رشد نهضت ناسیونالیستی در آذربایجان و تمایل آن به روابط دوستانه و همکاری با ترکیه مجبور به حمایت، کنترل و فروپاشیدن بموقع آن بود. با آنکه مطالبات بالحق آذربایجانیها قربانی سیاستهای جهانی شد میتوان ادعا کرد که اصلاحات گسترده یک سال فرقه در آذربایجان محرک اصلاحات بعدی در ایران بود.

لوند ۱۳۸۲

دکتر م. سببی

گجیل: جنوبی آذربایجانین اینترنت سائیتلارینا باغلانتی

<http://Gajil.20m.com>